

ADDRESS: Bahai News Service, Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.  
قیمت اشتراک را با یو.ا.سی یا بواسطه محفل روحانی طهران باین اداره برسد

این مجله بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل  
یگانگی بشر و وحدت ادیان و ترویج صلح عمومی و تربیت اطفال و حل مشاکل اقتصادی و پیشرفت هر حضرت  
بها و الله دایر اطراف جهان و توضیح حقایق این دین عمیق خواهد نوشت و مقالات مفید در این خصوص هر شخص خواهد

شماره ۹ اوست ۲۰ ساله میلادی ۱۳۲۷ ذی القعدة سنه ۱۳۲۷

<p>از جمله قطعه فلسطین که مرکز انوار شمس حقیقت و مصدر انوار حضرت الوهیت بوده در انهدت بیشتر از سایر قطعات ارض جرف سهام بلایا و مشقات جهنم عمومی شده بود. بنا بر حکمت باغچه الهیه برید و اگر فایده دولت انگلیس افتاد و باب راحت و آسایش عمومی در روز فرج معنوی بر وجه ساکنین مظلوم آن ارض مفتوح نمود. باب و باب و ایام بسر رودید و راه سعادت باز شد تا آنکه مسافری شرق و غرب دوباره بزیمارت تقاضای طاعت پیمان شرف شوند از چشمه جانان بنوشند تا بید و توفیق صدقانی چسبند و از نسیم روح بخش کلمات الهی بهره برند.</p> <p>در انهدت حرم عمومی ندای قیمت فارسی نیم خاست ساکت بود و اسباب انتشار مقالات مفیده از پر جهت معدوم ولی از تائید حضرت پروردگار و بهمت پسران امریکائی انگلیسی آن تعلق چاپ و نشر میگردد و در هر ماه کت غرب بسبب سرور و بهمت قلوب پادان الهی بود تا آنکه در این ایام امر که سفید روحانی صادر که دو ماهه این علم میان بلند گردد و در چشمش موج بر آفاق زند ندای ملکوت رحمن را گوش شود ساکنین ارض نماید و با بهمت خارق العاده در خدمت دوستان جانفشانی کند انوار وحدت عالم انسانی را انتشار دهد و افرین جهان ضامن را از ابرائی تیره چهل و نادانی صاف نماید.</p> <p>این است که شوکلا علی به و سار یا میناق الله و شوکو برده حضرت من اراده الله در انهدت را این جمله در باب قیام نموده و از جمیع احتیای معنوی مستعملی آنکه نیم خاست را از بهر بهمت مجله خود دانند و در تائید آن سعی و کوشش نمایند تا روز بروز خوشتر و بهتر گردد و ندای آن فریج تر و بلند تر شود آوازه شش جانرا فرود گیرد و در خدمت عالم بهائی خواهی عطیله کجا بر نماید چه که اسباب</p>	<p>ندای نیم خاست چند سال بود که بواسطه این حرکت عالم سوز در این جهنم شعل انور از اساس سعادت عالم بشر بر باد و آثار دوستی و یگانگی محو و نابود شده بود از نجات نبود فراسی در خدمت نموده بود فراسی طبیعت انسانی که باید اش ناقص و شر و غرور و نفس امارت ششر استبداد و ستمان ظلم را در دست گرفته در شرق و غرب و جنوب و شمال دنیا مشغول به قتل و خوریزی بود و جهان سر اسر و چنگال دیو بدیده تقصات جا بجا سجون و امانه در دست اقاب راستی بتدل به تاریکی ضیفه و بنضار روز بروز فرزانگی تغییر به شب خفیه شده بود جمیع طوائف عالم و احزاب دنیا مانند حیوانات درنده بجان هم در افتاده و هر روزی از اجساد الهی آن ان کوهی ساخته شهراتل خاکستر شده بیونها نفس غلب گردیده اموال پرزفته نفوس باطل شده اوضاع جهان منقلب گردیده و همه گریان و عقول حیران تا آنکه بعد از پنج سال قتل و غارت عمومی این طوائف اساس انگین با نذر از مسکن و این آتش بمقداری حواسش گردید ابواب معدول مفتوح گردید چشمهای خفته بیدار شد آب زنده دوباره بجوی آمد ایدای مرده زنده شد سرش صلح و سلام بوشش پیش رسید و ندای زمان سلطان ملکوت باین ارض رسا بلند شد خفته خاک کجرا که توانا که سینه عجب از باز نیاید بر تن مرده رویش</p>
--	---

سعادت بر امری چه دنیوی و چه اخروی تعاون و تعاون  
 بدون تعجب و ترویج این اساس هیچ امری محکم و متین نمیرود  
 و هیچ قهری از عالم قیام بتمت نمیشود مگر آنکه چه که این  
 عمر عمری است نه زمان قول زن ظهور جواهر سعادت  
 از حدن انسانی است و دور اجرای او امر حضرت  
 ایزدی باید اصول الهی را بسبب رشد و نمو قوا  
 معنوی و جسمانی نایم و نکلمات فارغ قاعه کنه طفلان  
 از سنگت ریزه خوشنود کردند و جهلا به جبل تعقیبات  
 کینه پوسیده دل بندید ولی بھائیان روشن دان  
 قوه عمل بر علیان ثابت کنند که خادم هیت جامع هستند  
 و در این شاهراه آسمانی شب در روز ششی خواهند نمود  
 تا قدرت الهی بر ارض قلوب ستر گردد و قلوب  
 بهشت خفا و جزیره خفرا شود مرغان دانش و طيور  
 بهوش بر شاخ رای سبز اشجار اخراعات بدیده  
 نغمه ای دلکش برانید در روز حقیقت تعلیم دهد  
 امید جان است که اساس بنجم با خریو با نیوم منین  
 ترکردد و از ندای آن خفگان بیدار گردند کرات  
 شنوا شوند گنگان گویا گردند و ذلیان عزیز شوند  
 شعل روشن روح و ریجان گردد و صدای صلح و سلام  
 در شرق و غرب بلند نماید  
 و حضرت مولی الوری سبحان و فلاح این جویده را سوط  
 به استقامت استقامت استقامت فرموده اند و حضرت  
 سیدنا محمد را در قالب مثل در آورده میفرماید  
 و بنا بر این هر کس این سخنان را استماع نماید و آنها را  
 بعمل آورد او را بگردانانی تشبیه نمایم که خانه خود را بر روی  
 سنگت اساس گذارد و وقتی که باران بیاید سیلابها  
 روان شود با دانه بوزد و از هر جهت بر آن خانه حمله نمایند  
 چون اساس را بر سنگت بنا نهاده تنزع نشود و خراب  
 نمرد و هر کس اینکلمات را گوش داده و مطابق آنها  
 عمل نکند ببرد جا می بود که خانه خود را بر ریخت بنا نهد پس  
 باران بیاید سیلابها روان گردند و با دانه بوزند و بر آن  
 خانه حمله نمایند و خراب سازند و آنها را آن  
 عظیم خواهد بود

حضرت عبدالبهاء در ایام حرب  
 حدیث عشق بطوار در میگوید بیان شوق بنگار در مسجد  
 پس از آنکه حرب عمومی در ماه اکتبر ۱۹۱۴ اعلان فرودید  
 و طرق مسافرت با رض مقصود و ابواب مراست با باران  
 بسته شد حضرت من اراده الهی در بیجان آن طوفان عظیم  
 به نگهباری و حیاطت اجبای الهی در آن و ما رقیام فرمودیم  
 و از هر جهت اسباب راحت و آسایش کل را فراهم آوردیم  
 و به اطوار حسنه و اخلاق مرضیه و صداقت و دیانت و تسلیم  
 در رضا کل را دعوت نمودند و جمیع مشاگرد بر این مقام ایستادند  
 که اگر آن وجود مبارک نبود مقام اعلی در روضه منظر در خطر  
 و حوضه باران متفرق میگردد و حوادث غیر قابل تحمل از زمان  
 بر کدام را بگوشته انداخته تا رو بودشان از هم می گشت  
 ایشان خواش و قوتشان مبدل بر ضعف میشد  
 ۱. در ابتدای حرب چون اضطراب عمومی املی سوریه را احاطه  
 نموده و هر روز ترس آن بود که اسطول دول تجاره جفا و عکاب  
 به توپ بندند و خرابی کلی حاصل گردد مردم دست و پسته  
 با اهل و عیال خود به دانت اطراف دار می نمودند لهذا بنا بر کثرت  
 مانع حضرت مولی الوری بنیسه به قریه ابوسنان تشریف برده  
 محل برای اهل بیت مبارک و جمعی از باران تریب داده و  
 قریب به هفت ماه در نهایت آسوده گی زندگی نمودند و در مدت  
 بر حسب امر مبارک در رسته برای تربیت اطفال تشکیل داده  
 جناب مدیج افندی معلی نو نهالان بوستان الهی متفرد و سرافراز  
 شدند همچنین جناب دکتر حبی الله خان به پرستاری و مداوا  
 رضا از اقیار کوشش نمودند و هر وقت حضرت عبدالبهاء  
 جفا و عکاب به ابوسنان تشریف می بردند حضرات مشایخ در روز و  
 اجاب از بالای کوه سرزیر شده در حالت استقبال سان  
 حدو تا می گشتند و شب در محفل مشایخ سان مبارک در شرح  
 و بطا سرار ملکوت و آیات لاهوت مشغول و قلوب  
 کل از جواهر سرور و شرف ملو چنانچه روحانیت و صفاء و صلح  
 آن ایام بچوشت از نظر مومنان و نخواهد شد  
 ۲. در همان اوقات افواج جرار منج بر اراضی سوریه حمله شدیم  
 نمود چنانچه وجه آسمان از زیادگی آنها پوشیده و مانع تابش آفتاب  
 گردید قریب دو ماه این سربازان سماوی دشت و محو اسلحه  
 پر نموده و قلوب زار عین دیبچاره گان را در چنگال خوف  
 نگهداشته هر چه بسنه می بود خوردند حتی پوست درختان را میل  
 فرمودند

وقبل از آنکه قدم بعالم قائلند از آنکه موهبتها تخم نذرده و اعلی رازت  
 جهت حاصلات سال آینه در اضطراب نگه اشند  
 ۳۰ اگر چه حکومت سعی نمود مردم را مجبور کرد که در ملازمی سخت  
 در حوزات و مقاری تخم مخ جمع نموده تسلیم اداره نمایند و  
 در جلوی این سبیل سپهر چندرطل تخم مخ جمع کردن چه نتوجه بود  
 و در سال جدید از زمین بخرم بکشید بزمنی که بیچکس در  
 خواهر نداشت و هر چه بود و نبود خوردند و بانو اسطه  
 خطر عظیم قحطی در جلوی انظار ختم گردید  
 ۳۱ این قحطی عمومی برای سوره مستولی گردید که هزاران هزار از  
 شدت گرسنگی مردند و اطفال ضعیف بنده در کوه و بازاریست  
 نارنج و زنان و دختران در دانه کوه غلف جمع نموده میخوردند در  
 این بگونه قحطی حضرت سولی الوری به قوت خارق العاده در تائید  
 فقر آنکوشش نمودند و ابواب زندگانی اجبارا فرام آورده گذاردند  
 که بگفتند از باران یثرب بی شام ماند و این نبود مگر علی از بزرگترین  
 معجزات حضرت عبداله  
 ۳۲ چون این قحطی رخ کشید و ابواب رخا از جهت بسته حضرت  
 سولی الوری بنفسه به قرینه عدسیه تشریف برده و پیر سال از دست  
 ماهی در آن گرمای شدید بر برده و مشغول زراعت گشتند و جهت  
 اجای نزدستی حاصل خداداده از گندم وجود دره و غیره بعل آوردند  
 فی الحقیقه حق جل جلاله برکت عظیم داد و با شتر حاصلات را بینه  
 چغاف و عکا حاصل نموده در میان بهانیان و سیمان و سلین و یهودیت  
 میفرمودند چنانچه کل بر این شیوه مرضیه قدسیه شهادت داده  
 میدهند  
 ۳۳ در آن ایام دو سال تنه با دولت عثمانی سعی نمود که ایران را  
 در ردیف لشکری در آورد اول اسامی و عکس های نفوس ایرانی  
 را در دفاتر حکومتی ثبت نمودند و بعد جمیع را بحسب اسم در سید  
 طلبیدند ولی در این موقع هم بدیغی در نجات باران از اینبوره چون  
 سبزه سیحانی نمود و جمیع را از این قید عسکری آزاد فرمود  
 ۳۴ در آن چهار سال بعلاوه خواهشها و احتیاجات تأخیر و تکلیف  
 فکری و فقر عمومی و خوردن حاصلات دو سال بواسطه مخ و قحطی و بیچارگی  
 ناخوشیهای زیاد برای مستولی گردید و تیغوس و علا با و غیره  
 آناف را بعهده عدم کشانید علی انخصوص این ناخوشیها  
 در میان عائد های ارامنه که دولت آنها را از شهرهای خود در داخل  
 آنسای صغری بر سوره آورده بود شیوع زیادی داشت عقیده  
 از این آورده گان را به عکا و حیفا آورده و چون بکس در سینه بود  
 حضرت عبداله با حرب و آفت عمومی بقدر امکان در دلبخواهی

و دستگیری آنها میگوشتند و یکی دو نفر آنها در خدمت  
 مقام اعلی سخن نمودند فی الحقیقه فخرات و برتبات وجود بود  
 در آن چهار سال شامل حال جمیع علی و ادیان بود کسی بکنود  
 اقدس رجوع نمود که تا اسید مراجعت نماید کل از حوان  
 رحمتش بهره و نصیب بردند  
 ۳۵ در آن ایام تیره و تاریکست چون ابواب است بسته  
 و رفت آمد مسافری ممکن نبود بر حسب اربابک حاجی رمضان  
 یکی از دوستان قدیم و تجار ایرانی با وجود قدس سن دو  
 سفر با یران نموده و از خطا عبور کرده الواح تم و اخبار  
 ارض مقصود را با حجاب لب تشنه بی اختیار رسانید  
 فی الحقیقه خدمت بزرگی یا الهی نمود و بانو اسطه روح جدیدی  
 در اجساد یاران دیده شد و سواد آن الواح بار و بار کجا  
 و سائر بلاد شرق ارسال گشته یاران انصافت هم در نظر  
 و وصل اخبار است بودند سر زنده و در حرکت گردیدند  
 ۳۶ همچنین هر سال در موسم تابستان تلاذقه بهائی از مدینه  
 بیروت بکجا آمده در یانای کوه کرمل در جوار مقام اعلی امام  
 تقطیل را میگذرانیدند و هر روز شب بکعبه حضرت عبداله  
 شرف شده بکوش خود اصغای بیانات و دهانی میبودند  
 در مجلس پیروز و سروری ترتیب داده نطق های نصیح و تبلیغ در  
 محفل مبارک ادا میکردند نغمه های الهی میروند بزیارت  
 روضه مبارکه شرف میشدند و در جمیع آن ایام در قتل شجر  
 پیمان محفوظ و مصون ماندند تا آنکه الحوره حرب عمومی  
 بانتهی رسید و هر کدام بخوبی و خوشی تحصیل خود را تمام  
 کرده با دستان خود مراجعت نمودند تا در امر الهی خدیش  
 نمایند در میدان حکومت است بهت رانند آتش  
 در عشق در قلوب افروزه روشن کنند سبب تسلی خواطر  
 دل شکسته گان گردند از معجزات حضرت سولی الوری  
 در ایام حرب صحبت نمایند در طریق حضرت بهار الهی  
 جانفشانی کنند علم دین رحمن را بر اعلی نقل آفاق  
 بلند نمایند شمع محبت آینه را در انجمن آفاق روشن  
 کنند چه که غایبات حضرت سرانه الاکرم همیشه شامل  
 احوال آنها بوده الطاف بی قنایس آنها را احاطه نموده  
 باران فضلش بر آنها باریده و شمس دانشش بر سیرشان  
 تابیده و در هر کجا هستند بزبان حال بگویند  
 دیگران چون بروند از نظر از دل بردند  
 تو چنان در دل من رفتم که جان در بدنی

صدور الواح عمومی عالم

اقتسار بر عشق کل استاد صد هزاران ذره را داد و تحساد از نظر امری میتوان گفت که در حکمت الهی بانچه این حرب پنهان است  
جهاد الواح عمومی است که با فتح و رجوع بهایان امریک و کانادا  
از فرم کزیشان نازل گردید و در هر کدام از این الواح مقدسه خورشید  
من اللعنه یا ران را از ابرقیام بر تروج امراته و انتشار نفحات الهی  
در اطراف جهان میفرماید تا روی زمین بهشت برین گردد و ساکنین  
ارض مانند سما شوند

پس از آنکه این الواح نورانی در ایام حرب در بهی و عکا و حفاصا  
شد جاسب نیز نورانیدین بجهت تطبیق خویش بر نقطه ای بزرگ  
نوشته مظلما گردید و چون طریق ارسال آن ممکن نبود منقذ درین  
مبارکت محفوظ ماند و قریب سیال در سرداب مقام اعلی پنهان بود  
تا آنکه حرب عمومی بانتهی رسید اسباب مسافرت بهیا گردید  
و با اول رسید بواسطه علی از خادین آستان با مبارک با مرکبا  
آورده شد و در همدای مجمع سایه شرق الاذکار در نه نطق در  
حضور هزاران از یار و اختیار داده گردید این مجمع هم در ایام  
رضوان در شهر نیولورک در یکی از بزرگترین هتل موسوم به  
ناک اپین منعقد گردید و جلسه بانیش کهنه طول کشید قرائت  
ترجمه الواح و نمایش هر یک در آخر جلسه حرکت عظیمی در عالم بهیا شد  
انداخت قوس را با نیز از عربی آورد جمع یاران را از جهت تقدیر  
نمود و آثار وقت و بیجاگی را از اساس بر انداخت روحانی  
بی اندازه حاصل گردید اشع روح میسر شد باها باز گردید و در لوح  
در فضا قدس پرواز نمود شمس حقیقت در نهایت شدت بدرخشید  
افکار مفضیه افکار عالیه در آسمان هنماثر هویدا گردید تا یقینات کلیت  
بهی شود دیده شد ارکان وجودی معنی حرکت آمد قوی معنویه  
نمایان شد بلکه در لوله در جهانها افتاد و بر شعف و شعف آسمان  
پرده اندر بر افکند کند و بزبحر قیود پوسیده از دست و پا برداشته  
شد و افکار در قیام انجام خدمات امری و اعلا کلمه الله ترکز میپیدا  
کرد این انجمن عظیمی الحقیقه از هر جهت روحانی بود توجه جمع  
یاران به مرکزیشان بود و دیده ای کل بر جمال نورانی او ناظر آن  
جمع از شدت اتحاد اتفاق گویا بهشت برین بود و جنت عدن از انوار  
کلمات مبارک بنوعی نماینده گان محافل جهانی امریک و کانادا در جمع  
عواالم امری متحد شدند که مانند شیر و شکر بهیو گیر آنچه شدند و از  
آن انجمن عظیم بشهرای خود مراجعت نموده مشغول خدمات امریه  
گشته شور و ولهی در قلوب انداختند قوه کلمه الله در مجلس آخر بنوعی  
قلوب را شعله نموده که اجزاء حاضر مبلغ هفت هزار دلار بکثرت است

تعالیم الهی تقدیم نمودند و مقیته قوه تبلیغیه از نو زنده نفرین  
نهم تشکیل دادند که باین مطلب رسیدگی نمایند و کلمات  
بیشتر از دوازده میلیون در اطراف امریکا مذاهی با بهاء الهی  
بند نمایند و در جمیع نفوسش را بملکوت الهی دعوت میکنند  
این الواح عمومی مانند صور اسرافیل بود که در گمان صحرائی  
غفلت را بیدار نمود و روح جدیدی در ابدان بدمید و کل را  
تحریک و متحرک فرمود و در این پنج به آخر اجاب در هر طرف  
امرکا جهان قیامی در خدمات امراته نموده اند که مثل ریشه  
آن تا بحال دیده نشده و روز بروز بر اشتعال خودی افزاینده  
محص انکه فارین بر غفلت این الواح بی برند عرض میشود که دوازده  
عدد آن با فتح و اجای ایالات متحده و کانادا و امریکا  
جنوبی و جزایر اطراف آن صادر گشته ایالات متحد تنفس  
بجاریست تقسیم شود ایالات شمال شرقی ایالات جنوبی  
ایالات مرکزی ایالات غربی هر کدام از این چهار قسمت  
دو لوح کانادا دو لوح و امریکا ی جنوبی دو لوح و لوح سوم  
با فتح جزایر پاسیفیک مالک آسیا اوقیا اروپا  
دو لوح جزایر دنیا و لوح چهاردهم محتوی تعالیم عمومی است  
از برای میلیون و ناشرین امراته  
اهمیت این الواح در آن است که حضرت عبد البهاء مالک  
جزایر دنیا را یک یک اسم برده و در دستان را از امر قیام  
بتبلیغ ساکنین آن نقاط میفرماید و بنا چنانی در آخر هر  
لوح صادر تا بملخص حفظ نموده هر روز بخوانند و طلب نمایند از  
حضرت پروردگار نمایند صدور و انتشار این الواح  
فی الحقیقه یک علم جغرافیای بهائی تشکیل میدهد و بر هر یک  
از بهائیان واجب میباشد که از تاریخ دنیا جغرافیای ارض  
نژادای مختلفه ادیان و راه سفره تمدن قدیم و جدید اصول  
و فرعی شرقی ملل عقاید و افکار و نحل خوبی آگاه گردند تا بتوانند  
بر انتشار نفحات الهی قیام نمایند و از روی حج و بر این عقیده  
بر حسب فهم و ادراک هر نفسی امراته را نهایت کفند و نشو و نس  
بشریغی در ضمن داخل نمایند و از دیویست فطرت جعل و نادان  
نجات بخشند و جمع را لوح دست عالم انسانی دعوت فرمایند  
ترجمه این الواح و بعضی مبیانات مبارک که مربوط باز است  
در تاسیحه مخصوصی بهمان انگلیسی چاپ و در میان یارها الهی  
مشرک دیده و در این موقع دو اول لوح مبارک که باقی است  
اجای شمال شرقی ایالات متحد صادر شده درج میشود و پنج  
در شماره ای آیه باقی انتشار داده خواهد شد

قسمت شمال شرقی ایالات متحده و دارای نه ایالت است و از  
جسمی قدیم ترین اند سازش نقاط است و دارای ۲۲ میلیون جمعیت  
و شهرهای عظیم مانند نیویورک و بسطن و فیلا دلیا در این نقطه واقع  
نقطه شهر بند نیویورک دارای پنج میلیون نفوس است بزرگترین  
نایبیه قدیم ترین مدارس و دارالفنونها با کما و موزه اوانتیکه خانم  
در اینجا ساخته شده اما پیش روشن ضمیر و خیرخواه و عالم دوست  
استند ، آرزوی حضرت عبد الباقی یاران این نقطه تبلیغ  
این نفوس کثیر قیام نماید و شهر تقدیس گشوده در هوای  
منزه ملکوت پرواز کنند تا کلمات رحمانی رهبر گردد و  
فترحات آسمانی پرده از طلعت محبوب برانگند .

و حرکت آید در از ظلمات طبیعت درانی باید و گلهای ابرام  
الهی برویاند .  
پس باید انسان سبب نورانیت عالم از سنگ گردد و نورانی  
در کتب مقدسه بوسیله الهی نازل ترویج دهد در انجیل و تفسیر  
میفرماید بشرق و غرب سفر کنید و جمیع را بنور هدایت بر  
روشن نماید تا از حیات ابدی بهره و نصیب برند  
المحمدیه ایالات شمال شرقی در نهایت استعداد است  
و چون زمین پر قوت است باران فیوضات الهی نازل  
گردد حال باید شما در همان آسمانی گردید و تخم پاک بپاشید  
بر تخمی برکتش محدود است و لکن تخم تعالیم آسمانی فیض  
برکتش نامحدود و در ترقی و اعصار متصل خرمها شکل کند  
در سلف ملاحظه نماید که در ایام مسیح نفوس متون ثابت  
محدود قبلی بودند ولی چنان برکت آسمانی نازل شد در  
سین محدود و تخم عظیمی بظلم انجیل در آمدند . در قرآن  
که تک جبهت حوشه بر آرد و بر حوشه صد دانه بدید  
یعنی بگردان هفتصد دانه گردد و خداوند اگر بخواد مضاعف  
میفرماید چه بسیار واقع که نفس مبارکی سبب هدایت  
شد حال نظر با استعداد و قابلیت خویش نباید  
بلکه نظر بغایت و فیوضات الهیه در این ایام نمایم که قطره  
حکم دریا باید و ذره حکم آفتاب جوید و علیکم و علیکم التوجه  
والثناء مع

لوح اول

که با مختار احاطه و در ۹ ایالات شمال شرقی ایالات متحده  
صورت روز دوشنبه ۲۶ مارچ ۱۹۱۶ در بهی در اطاق مبارک از  
قم مرز میان صادر گشت .  
اجاد و در ۹ ایالات شمال شرقی ایالات متحده بین  
نیواشار . رود آیند . کن کنلیت . و ریت . پست نیوا  
نیوجرسی . آماجوست . نیویورک . علیهم و علیهم التوجه و التثناء

هو الله  
ای سادگان آسمانی ایام نوروز است همیشه یاد آن باران لهرمان  
هستم و از درگاه احدیت طلب آید و توفیق بنمایم تا آن جمع تمام  
شع در اقالیم امریک برافروزند و نور محبت الله در قلوب روشن  
نمایند تا انوار تعالیم آسمانی خط امریک را مانند این فضای ناقدان  
به نجوم هدایت گیری روشن و درین فرماید .  
ایالات شمال شرقی در ساحل آتلانتیک مثل ایالات بین  
نیواشار . آماجوست . رود آیند . کن کنلیت . و ریت . پست نیوا  
نیوجرسی . نیویورک در بعضی این ایالات اجاقی موجود است  
در بعضی شهرهای این ایالات هنوز نفوس سی با انوار ملکوت  
روشن نشده اند و از تعالیم آسمانی خبر ندارند لهذا از برای  
هریک از شما اگر ممکن باشد که بان شهر آید و چون مستان  
بنور هدایت گیری برافروزید . خداوند میفرماید و تری الارض  
امده فاذا انزلنا علیها الامه اهتزت و ربت و انبت من کل  
نوع بیج میفرماید زمین خاک سیاه است چون فیض ابراهیم  
بارد ان خاک سیاه با بهتر از آید و گلهای رنگارنگ برویاند  
یعنی نفوس انسانی چون از عالم طبیعت است مانند خاک سیاه است  
چون فیض آسمانی برسد و تجلیات نورانی میاید گردد با بهتر از

لوح دوم

هو الله  
ایستان حقیقی جمیع اقالیم در نزد حق اعلیم واحد است  
و جمیع در این دوزی یکسان و نشا دسی بهجت بر دیگری  
انبار ندارد کل مزایع الهی است و نشا نفوس انسانی  
ولی با یگانگی و ایتان و سبقت بر دیگران لیکن مکارا شرف نماید  
بعضی از بلاد مستغانا گردند و شرف مرتبت بی نتهی فائز شوند  
مثلا بعضی از اقالیم اروپا و امریکا لطافت هوا و عذوبت باه  
و خلادت کوه و دشت و حواستنا ، و در نهایت انبار  
با وجود این فلسطین شرف جمیع اقالیم گشت زیرا جمیع مظاهر  
مقدسه الهیه از یوم حضرت ابراهیم تا ظهور خاتم النبیین یا  
در این اقلیم متوطن یا مهاجر و مسافر بودند و همچنین شرب  
و بطحا شرف بی نتهی فائز نور نبوت در انجا نماید لهذا  
فلیطن و حجاز از جمیع اقالیم ممتاز گشت

تفسیر

حال نیز نقطه امریک در نزد حق میدان اشرق انوار است  
 و کشور ظهور امریک و منش ابرار و مجمع احوار جمیع مبارک است  
 ولی ایالات تسعه چون در امان و امان سبقت گرفتند  
 لهذا از این بخت ایماز یافتند باید که قدر این نعمت را  
 بدانند که بچنین موهبتی سزاوار گشتند و بشکر از این موهبت  
 کبری قیام بر نشرفیات اله نمایند تا آیه مبارکه اقمه فرمایند  
 و الارض مثل نوره مکشاة فیها صباح المصباح فی زجاجه الزجاجه  
 کانهما کوب ذری یوقد من شجرة مبارکه لا شرقیه و لا غربیه لیکان  
 زینتاً لیضی و لو لمسه نار نور علی نور تحقیق باید  
 میفرماید عالم طبیعت عالم ظلمات است زیرا انشاء هزار  
 گونه فساد است بلکه ظلمات اندر ظلمات است نور آیت  
 عالم طبیعت به اشرق شمس حقیقت است فیض هدایت  
 مانند شمع است که در زجاجه علم و حکمت روشن است و  
 از زجاجه علم و حکمت در شکاة قلب آسانی است  
 دین انراج نورانی از انوار شجره مبارکه است و بدرجه  
 آن دین لطیف است که بی آتش برافروزد و قوت  
 نور و صفوت زجاج و لطافت شکاة چون جمع گردد نور علی  
 نور شود

پروردگار هرمانا شکر ترا شایراه هدایت بنمودی و ابرار  
 ملکوت بخنودی و بواسطه شمس حقیقت تجلی فرمودی کوران بنی  
 نمودی و کوران شکر کردی مرده گان زنده فرمودی  
 و یقینان افشا کردی گران راه بنمودی و تشنگان را  
 هدایت دلالت کردی ما میان بسباشنه را بدریای حقیقت  
 رساندی و مرغان آلوده را بگشش غایت دعوت فرمودی  
 پروردگار اجمعیم هستیم بندگان تو و ذقیران تو دور افتاده ایم  
 سشتاقان تو نشسته چشمه تویم و دریند درمان تویم در ره تو  
 قدم نهادیم و مقصد آرزوی جز نشرفیات تو نداریم تا نفوس  
 فریاد ایدان القراط المستقیم برآرند و دیده بشا بده انوار روشن  
 نمایند از ظلمات جهالت برزند و طائف حول سراج هدایت  
 گردند بی نیبان نصب برند و محمودان محرم راز شوند  
 پروردگار بچین غایت نظرنا تا یبیدی آسانی فرما نغاث  
 روح القدس بمذول دار تا بخدمت توفیق گردیم و مانند ستاره  
 در این اقالیم بنور هدایت بدر خشم توئی مقدر و توانا  
 و توئی عالم دنیا

بازی در این نه ایالات مبارکه عبدالبهاء سیر و حرکت نمود  
 و بیان حکمت کتب آسمانی کرد و نشرفیات نمود در انگری  
 تائیس بیان الهی کرد و باب تبلیغ بشود و در آن مژده  
 تخم پاک افشاند و کشت بارگی کرد حال اجای الهی دانا  
 رهن باید آن کشت را آبیاری کند و بجان قوت تربیت  
 آن کشت پردازند تا نهایت قوت نشود تا کند و فیض  
 و برکت حاصل شود و در نهایت بسیار عظیم بوجود آید  
 ملکوت الهی مانند دهنانی است که بجان پاک میگذرد  
 و بنده آسانی میباشند و حساب رحمت یزدانی بسیار و در کار  
 شمس حقیقت بناید . حال جمیع این مواهب در این ایالات  
 تسعه واقع و حاضر موجود . در معان الهی بانحاکت پاک  
 متفلسس مبد نمود و تخم پاک از تقالیم ربانی در آن کشت  
 زار افتند باران فیوضات الهی بیاید و حوارت  
 شمس حقیقت یعنی تابید است رحمانی بناید حال آبیاری  
 بخواب امیدم چنان است که آن نفوس مبارکه هر یک  
 آبیاری شیل و نظیر گردد و شرق و غرب امریکابشت برین  
 شود تا طار اعلی به تخمین فریاد یا طوبی لکم خم طوبی لکم بر  
 آورد و علیکم و علیین التوجه و التفاء  
 این مناجات را هر یک روز یک مرتبه تلاوت کنند

نصفت جدید بهائیان امریک  
 دلوله شهرت بزرگش زلفیار نقد در آفاق نیست خشم آبروی  
 از بوسید برده از وجه چاره الواح عمومی عالم در جمیع ایالات  
 شرق آلودگار برداشته شد و محتوبات آن کتب آسمانی  
 بر عالمان اظهار گردید و قوت اسم اعظم و جلال و عظمت اسم  
 مرکز خیانت حال قدم در آن جلدی بای پر شور و روزه اعلام شد  
 یک نصفت در برای مدحانی و یک حرکت معنوی عظیمی  
 در بیان بهائیان امریک هویدا گشته که آثار آن عالمگیر  
 تا بخش بی نظیر است  
 اول . ستر لکه از دوستان مشتعل است با جمعی از  
 اجای الهی مانند مسس کوک و مسس لین و مسس کوک  
 و مسس بو لین تا لار بزرگی در نیویورک باز نموده هر روز صد  
 فقره را سیر میخوانند و برای عتاکری که از میدان حرب  
 ابراهام راجت نموده کار پیدا میکنند و این خدمت بنوعی وقت  
 معلوم را جلب نمود که جریده نگاران آمد و آنکل را اصلاح  
 کرده مقالات منفصله نوشتند و مردم را از فضیلت بهائیان  
 بعالم آسانی آگاه نمودند  
 دوم . همچین رستورانی (محل خوردن) بجان نیویورک  
 باز نموده اند و خوردن مناسب بقیمت خیلی ارزان بنام  
 میدهند و در این محل اجای الهی بدون مزد و اجرت خدمت  
 میکنند و بر دیوار این رستوران بیانات حضرت عبدالبهاء

که بر قطعات نوشته شده او نران است و نفوس که داخل می شود  
از خدای روحانی و جسمانی بهره می برد و عده زیادی با واسطه  
تبلغ شده و فی الفور به خدات اتری مشغول گشته اند.

مقدم . در یکی از بهترین شوارع نیویورک خیابان مادیسون  
شهر و سپس دیویش که از اجای جدید روحانی هستند آثار شگفت  
بزرگی گرایه کرده و کتابخانه بهائی منقوح نموده . برای افتتاح  
این محل تشریفاتی بحضور مبارک شد جواب رسید که اسم از او حدت  
نشر ندراید و این اسم با اسمی بحد طلا بر بالای در نوشته و هیچ را  
خوش آمد میگوید هر شب مجلس روحانی در این محل منعقد میگردد  
و تحسین حقیقت داخل شده از تعالیم الهی نصیب فارمی برند .  
این کتابخانه بهائی فی الحقیقه اول محل است که در جهت کامل و بی عیب  
در جهان است و مرکزی است در نهایت فعالیت زیرا که  
دسس دیویش هیچ تفری ندارند مگر انتشار امر الله و ارتفاع حکم  
الهی بر اعلی قتل آمریکت .

چهارم . مجله ماهیانه جدید بهائی بنام حقیقت باب انگلیسی  
چاپ و انتشار شود و ستر و دسس در بر محترم آن هستند اول نسخه  
این مجله در مجمع شرقی آن کار نشر یافت و فی الفور وقت نامس  
بسوی خود جذب نمود و در کمال انتشار شماره نایش هزاران  
رسیده و شش نسخه آن چاپ گردید و همراه شتر نیش زیاد  
تر میشوند خدمت این مجله در عالم بهائی آن است که این بنا به عظیم  
در میان هزاران نفوس که هیچ از این امر مبارک اطلاع ندارند نشر میدهم  
جویده است که اسم آن حقیقت است و ناشرین حقیقت است  
و خادم عالم حقیقت است و نمود نایش بر اساس حقیقت است  
و مروج اصول حقیقت است .

پنجم . روزنامه دبیر باسم تراولینگ فلوشپ [موسس ساوا]  
که دارای اخبارات مجامع بهائیان شرق و غرب است پرورده  
هفته گمر تبه چاپ شود و در میان یاران الهی نشر میگردد .  
دسس شریا چمبرلین دستبریت را شمال امریکان هستند و با کمال دو  
نسخه آن چاپ و بسبب مرور قلوب یاران گردیده از غشیا  
مجامع بهائیان شرق مستعملی اند . همراه اخبارات خوشی باین  
اداره ارسال دارند تا در اوراق این روزنامه بهائی نشر گردد  
و بسبب ارتفاع کلمه الله شود .

ششم . شبی است که در شهر نیویورک سه چهار مجلس مفصل  
و احد منعقد گردید و نفوس کثیره در نهایت اشتیاق برای استماع  
کلمات الهی داخل شده و تتر و شتر نیش را میگردند از جمله مجامع روحانی  
در یکسای است بارک تشکیل یافته که ستر و دسس در اینجا نظر  
مردم را بملکوت الهی دعوت بنماید محافل دیگر برای تبلیغ پیامان  
انجیل گشته که در نهایت روحانیت است . کامپی در کن

خیابان سوم هفته گمر تبه فرایم آمد شخص تبلیغ بر بالای  
صندوق چوبی ایستاده چهار طذ یا نقد نفر از زن و مرد  
دور او جمع میشوند و از ساعت هشت الی ده و نیم شب  
حجت های کوشش میدهند و بعد سوالات نمود جواب  
میشوند . هم چنین مجمع دیگر شب در کنار دریا منعقد میشود  
و صد نفوس از اطراف می آیند و آتش بزرگی روشن  
نموده دور آن بروی روشن ساحل می نشینند و پس از اختتام  
انطق و خواندن انعام کتب بهائی مجامع در میان آنها توزیع  
مگردد .

هفتم . بواسطه تمسک و سخاوت کینفر از بهائیان نیویورک  
سه ماه پیش چاپ نمودن کتب و صحف و اوراق الهی  
ایجاد گردیده دستبریت را شمال دسس شریا چمبرلین  
در این خدمت شب در روز مشغول اند و آنرا راحت  
و آسایش ندارند از جمله یک کتابچه باین سبب  
برای انتشار در امریکای جنوبی چاپ نموده چندین برابر  
نسخه باس را تاروت فرستادند .

هشتم . بهائیان شهر نیویورک در اینجا جماعت فزونی  
است و دسس کنیگ در اینجا خدمت فزونی و ضعیف مشغول  
باب انجیل شب در روز بروی کل بازم است و اغلب  
محافل بهائی در اینجا منعقد میگردد . کتب طبقه آن کتابخانه  
بهائی است کتب طبقه آتش سبها تخانه برای مسافین  
که در آنجا در رفت و آمد هستند و کتب طبقه ضافت خانه  
این خانه بهائی در مرکز شهر است و اجای نشین امید  
و اد هستند در این با شروزستان مجلس مفصل در  
این مرکز فرایم آدرند و نفوس کثیری را بشریع رحمت  
دعوت کنند .

نهم . امده امه دسس را تاروت که قبل از این جنگ  
بجست ایش را امراته سفری به هندوستان و چین و ژاپون  
نمود این ایام با امریکای جنوبی سفر نموده و در آن بلاد  
ساعت مشغول به تبلیغ امراته است و جزای خوشی  
در برسد . همچنین امراته دسس امریکان جات وکی از  
رحمن به مملکت آلاسکا رفتند و در آن ایام بعد از  
ناشره حجت الله در او شش کرده اند .

دهم . ارسال در تابستان مجامع بهائیان در گرین عکا بسیار  
نظم بود و قریب دواه یاران از اطراف امریکای در محل  
جمع شده بزرگ و شامی محبوب عالمیان ایام خوشی گذرانیدند  
بروگرام نطق بسیار روحانی بود و سرور دوستان بهائیان  
در اساس شبی برای سال آیند گذارده شد و نفوس  
زیادی بر اشیاع دائره امور گرین عکا قیام نموده اند

یازدهم همچنین در شیکاگو ویدو ویا دو استغتن و بالتمور و  
 شهرهای دیگر اجای الهی بایک قدرت آسمانی و عزم الهی  
 است روحانی قیام بر نفسی است الهی نموده اند و شکلی  
 در اندک زمانی تا پنج عظیمه از انجدهات ظاهر خواهد شد  
 در ایام حرب حضرت عبداله با اغلب میفرمودند بخش ایگرو  
 دست از خونریزی بکشید یکت نهضت فریبی در عالم بخت  
 هوید خواهد گردید و دستان جمال قدم با شور و دل سحر آمیز در  
 اطراف جهان بتر نفحات رصع قیام خواهند نمود و زلزله  
 بر ارکان عالم خواهند انداخت قوت اسم اعظم ظاهر خواهد  
 و پروان صلح عمومی و خادین وحدت عالم انسانی زیاد خواهند  
 گردید این است که در این قیل مدت اجای امریکندی  
 خدمات فائده موفق شده و روز بروز بر حرارت و اشتعال خود  
 می افزاید .

رجای پنجم پنجم

از آبادی امراته و جوانان قندب تربیت شده شرق پنجم پنجم  
 رجای نماید که گاه گاهی مقالات سفیده امری و علمی و تاریخی برای  
 نشر در صفحات این جریده ارسال دارند تا غرب از افکار و  
 شرق تنفیض گردد و شرق از ضایع بدیعه غرب بهره بردار  
 واضح است که این جریده مخصوص اجرای انجدهات بوجود آمده  
 و نجاح و فلاح آن بسته بهمت یاران است و استقامت در  
 حضرت رهن زیرا استقامت بسبب رشد و ترقی انسان است  
 چه خداوند عالمیان در قرآن حکیم میفرماید : فاستقم كما امرت  
 از این آیه مبارکه چنین مستفاد میشود که استقامت در بشاق الهی  
 از بزرگترین تعالیم امراته است . اگر انسانی امری را برای خود  
 انتخاب نمود اگر مطابق تعالیم آن زندگی نماید فلاکت و خسارت  
 بسوی خود جذب کند و در دادی فضیلت و عبادت نگشته  
 و سرگردان شود . استقامت نور جهان افزونی است که اگر  
 شک و دین را منقش کند . استقامت توه سوز امید یاران  
 که نستی حاضر ضیفه را قوی گرداند . استقامت تحت جان بزرگان  
 که عاشقان و اله و شهیدان را بحال محبوب عالمیان رساند . استقامت  
 بسبب سعادت بگری در عالم جهانی و روحانی است .  
 این است که جمال قدم در کتاب اقدس میفرماید : کونوا  
 سلفا لالاستقامتة بین القبرین . همچنین میفرماید : من هار بالالاستقامت  
 البکری فی بئلا امراته من اهل العسرة . و همچنین : انزلکم  
 بالالاستقامتة البکری لان بها ترتفع اعلام النصرة بین الارض و السماء  
 و در مقام دیگر میفرماید : یا اجهاد الرحمن ان استقموا  
 علی الارض علی شان لا تمکنم سطوة الملوک و لا غلب الملوک

باری ذکر استقامت بر امراته و نبوت بر شاق الله در الروح  
 مقدسه بسیار است تجلی دوم از تجلیات در معنی استقامت  
 در صفت دادی تعریف و توصیف استقامت بسیار . حیات  
 حضرت اعلی و جمال قدم و حضرت عبداله با هر کدام بخش استقامت  
 و استقامت اجای الهی در جلوی سبیل بایا قله است انجدهات  
 استقامت این وجودات مقدسه شهادت شدای قلعه  
 طبریه و زنجان و تبریز اثری است از آثار استقامت حیات  
 این ارواح مجرده . و ما امیدیم امری که با شش بر جاف  
 و استقامت هزاران نفوس مقدسه نژاده شده الی الابد بسبب  
 ترقی در روحانیت و انقطاع بار و اغیار خواهد گردید و بایا از زبان  
 داده بیشتر آن اساس را محکم نماید چنانچه گراما میطلب  
 تجرید رسیده که بروقت کنی یا جمعی از اجزاء از معین شهادت  
 نوشیدند عظمت امراته زود تر در میان ناس استقامت  
 و آتش اشتعال و انجذاب شعدهاش شدید تر گشت . در ایام  
 حکایت منقری از شهدای شیخ طبری ذکر میشود . کنی از نفوس محترمه که  
 در آن قلعه شهید گشت شخی بود مرشد نام . در طهران تصدیق نموده بود  
 با بزرگان مراده داشت . روزیکه اصحاب قلعه بنابر فتوی  
 بر قسم دشمنان بقرآن مجید تسلیم عنوان شدند مرشد هم در  
 میان آنها بود . فلذا نزد هدیه نقلی میرزا آوردند . سلیمان خان که یکی  
 از سرداران قشون بود او را شناخت . بهنگام چشمش با او افتاد  
 بحالت تعجب آینهی فریاد زد که اسی مرشد تو اینجا چه میکنی . مرشد  
 جواب داد منی اتفاقات روزگار است . گفت خداوند تو را  
 کن که مرا اینجا فرستاد تا ترا شناخت هم و الا الان ترا شربت مرگ  
 می چشایند . مرشد بایک صدای موزن الحاح آمیزی جواب داد .  
 ای رفیق من ! ای سلیمان خان ! اگر تو میخواهی حق دوستی قدیم  
 را بجای آری رجایم شفاقت مرا نما زیرا با بنوا سلفه از فیض  
 شهادت محروم خواهیم شد و از رفقا عقب خواهیم افتاد و در با  
 گرفتار این دنیای فانی میشوم باز در سرج و گرم و نرم دوستی  
 و رفندی روزگار بسیار دیده ایم بعد از این دیگر بکن تعلقی  
 ندارم بکدیگشت اشت اهل محبت چندی است با هم  
 انس گرفته ایم میخواهیم بعد تا شای سرای اخوت  
 نمایم . امری اجای دوش اول با من وجود طرب در  
 سبیل جانان جان بافتند و آفاق قلوب را با قاف  
 استقامت خود روشن نمودند . حال پنجم با خراسان است  
 که یاران الهی در نهایت استقامت بر تابد این مجد قیام فرمایند  
 تا ایات اتفاق و اتحاد انشد ای شمس حقیقت مویز گردد  
 و جمع صدق این امر جان قدیم گویم : کونوا کالبجالی سنی  
 امر بکم الفی المتعالی بید اغنی لکم ان انتم من العارین